

شب‌هایی که از هزار ماه برتر است

به بیانات علامه طباطبایی و شهید مطهری درباره معنا و اهمیت شب‌های قدر

﴿شهروند﴾ در واپسین روزهای سال هستیم و در آستانه ورود به شب‌های قدر؛ شب‌هایی که در عظمت آن فراوان نوشته‌اند. همچنین درباره آداب و مناسک آن نیز فراوان گفته‌اند. هرچند با رجوع به آثار بزرگان دین می‌توانیم به نوعی بازنگری در دانسته‌های خود برسیم. ضمن اینکه گاهی به مطالبی برمی‌خوریم که شاید بیشتر دقت نظر درباره آن نداشته‌ایم و حالا برای مان معنای وسیع‌تری می‌یابیم. ضمن اینکه بهره‌گیری از این شب‌ها، به ویژه درک واقعی فضای روحانی و معنوی لیلی قدر از جمله مهمترین ضرورت‌ها در تقویت خودسازی فردی و اجتماعی و از جمله شاخصه‌های کلیدی در حصول تقوا به شمار می‌آید. بنابراین ورود عالمانه به فضای معنوی شب‌های قدر و دریافت حقایق موجود در این شب ارزشمند از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. به همین منظور بیاناتی از دو متفکر بزرگ عالم شیعه، علامه طباطبایی و شهید مطهری را انتخاب کرده‌ایم که مطالعه آن پیشنهاد می‌کنیم. این بیانات از کتاب‌های «تفسیر المیزان» نوشته علامه طباطبایی و «آشنایی با قرآن» و «آزادی معنوی» نوشته شهید مطهری گزینش شده‌اند.

مراد از قدر، تقدیر و اندازه‌گیری است و شب قدر، شب اندازه‌گیری است و خداوند متعال در این شب، حوادث یک سال را تقدیر می‌کند و زندگی، مرگ، رزق، سعادت و شقاوت انسان‌ها و اموری از این قبیل را در این شب مقدر می‌گرداند. در قرآن کریم آیه‌ای که به صراحت بیان کند شب قدر چه شبی است، دیده نمی‌شود. ولی از جمع بندی چند آیه از قرآن کریم می‌توان فهمید که شب قدر یکی از شب‌های ماه مبارک رمضان است. قرآن کریم از یک سو می‌فرماید: «انا انزلناه فی لیله مبارکه.» (دخان / ۳) این آیه گویای این مطلب است که قرآن یکبارچه در یک شب مبارک نازل شده است و از سوی دیگر می‌فرماید: «شهر رمضان الذی انزل فیہ القرآن.» (بقره / ۱۸۵) و گویای این است که تمام قرآن در ماه رمضان نازل شده است. و در سوره قدر می‌فرماید: «انا انزلناه فی لیله القدر.» (قدر / ۱) از مجموع این آیات استفاده می‌شود که قرآن کریم در یک شب مبارک در ماه رمضان که همان شب قدر است نازل شده است. پس شب قدر در ماه رمضان است. اما این که کدام یک از شب‌های ماه رمضان شب قدر است، در قرآن کریم چیزی بر آن دلالت ندارد. و تنها راه اخبار می‌توان آن شب را معین کرد.

شب‌های قدر

در بعضی از روایات منقول از ائمه اطهار علیهم السلام شب قدر مردد بین نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سوم ماه رمضان است و در برخی دیگر از آنها مردد بین شب بیست و یکم و بیست و سوم و در روایات دیگری متعین در شب بیست و سوم است. عدم تعیین یک شب به جهت تعظیم امر شب قدر بوده تا بندگان خدا با گناهان خود به آن اهانت نکنند. پس از دیدگاه روایات ائمه اهل

«احیاء» یعنی زنده کردن، نقطه مقابل «اماتة» که به معنی میراندن است. این کلمه چنین می‌رساند که شب - که قسمتی از وقت انسان است - دو حالت دارد: ممکن است شب کسی زنده باشد و ممکن است شب او مرده باشد. شب زنده آن شبی است که انسان تمام یا لاقط پاسبی از آن شب را با یاد خدا و با مناجات و راز و نیاز با ذات پروردگار به سر ببرد، و شب مرده آن شبی است که انسان تمام آن شب را با غفلت و فراموشی ذات مقدس پروردگار به سر ببرد.

«احیاء» یعنی زنده کردن، نقطه مقابل «اماتة» که به معنی میراندن است. این کلمه چنین می‌رساند که شب - که قسمتی از وقت انسان است - دو حالت دارد: ممکن است شب کسی زنده باشد و ممکن است شب او مرده باشد. شب زنده آن شبی است که انسان تمام یا لاقط پاسبی از آن شب را با یاد خدا و با مناجات و راز و نیاز با ذات پروردگار به سر ببرد، و شب مرده آن شبی است که انسان تمام آن شب را با غفلت و فراموشی ذات مقدس پروردگار به سر ببرد.

شب‌نه زندگی دار و نه مرگی. ممکن است کسی این جملات را بگوید. این سخن راست است ولی آن کسی که می‌گوید احیاء، شب رازنده نگه داشتن، مقصودش این نیست که این قطعه زمان را شما زنده نگه دارید؛ مقصود زنده نگه داشتن خود شماست در این قطعه از زمان. به عبارت دقیق‌تر، برخلاف آنچه که ابتدا تصور می‌شود، ما خیال می‌کنیم زمان یک چیز است که همه ما در داخل آن قرار گرفته‌ایم؛ در صورتی که این جور نیست. آن زمانی که فکر می‌کنیم همه در داخل آن قرار گرفته‌ایم آن زمان ما نیست. زمانی که ما روی آن حساب می‌کنیم، ساعات و دقائق و هفته‌ها و ماه‌ها و سال‌ها را حساب می‌کنیم، آن زمان ما نیست. زمان این زمین است. زمان ما یک حقیقتی است متحد با وجود خود ما. جزء وجود ماست. زمان ما زمان وجود ما. از خود ما منتک و جدا نیست؛ چیزی که هست ما این زمان را که مقدار و اندازه دارد. با زمان زمین حساب می‌کنیم، با آن تطبیق می‌کنیم، بعد خیال می‌کنیم زمان یک چیز است و همه ما در آن قرار گرفته‌ایم. نه، زمان من یک چیز است، زمان شما یک چیز دیگر است، یعنی مخصوص خودتان است؛ همین طور که قد شما که مثلاً صد و شصت سانتیمتر است، این کمیت و مقدار مال شماست و قد من که صد و هشتاد سانتیمتر است، کمیت و مقداری است مخصوص من. شما یک قد و یک اندازه دارید، من هم یک قد

شب قدر یعنی چه؟

علامه طباطبایی



بیت علیهم السلام شب قدر از شب‌های ماه رمضان و یکی از سه شب نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سوم است. اما روایات منقول از طرق اهل سنت به طور عجیبی با هم اختلاف داشته و قابل جمع نیستند ولی معروف بین اهل سنت این است که شب بیست و هفتم ماه رمضان شب قدر است و در آن شب قرآن نازل شده است.

تکرار شب قدر در هر سال

شب قدر منحصر در شب نزول قرآن و سالی که قرآن در آن نازل شد نیست بلکه با تکرار سال‌ها، آن شب نیز تکرار می‌شود. یعنی در هر ماه رمضان، شب قدری است که در آن شب امور سال آینده تقدیر می‌شود. دلیل بر این امر این است که اولاً، نزول قرآن به طور یکبارچه در یکی از شب‌های قدر چهارده قرن گذشته ممکن است ولی تعیین حوادث تمامی قرون گذشته و آینده در آن شب بی معنی است. ثانیاً، کلمه «یفرق» در آیه شریفه «فیها یفرق کل امر حکیم.» (دخان / ۶) در سوره دخان به خاطر مضارع بودنش، استمرار را می‌رساند و نیز کلمه «تنزل» در آیه کریمه «تنزل الملائکه و الروح فیها باذن ربهم من کل امر» (قدر / ۴) به دلیل مضارع بودنش دلالت بر استمرار دارد. ثالثاً، از ظاهر جمله

«شهر رمضان الذی انزل فیہ القرآن.» (بقره / ۱۸۵) چنین برمی‌آید که مادامی که ماه رمضان تکرار می‌شود آن شب نیز تکرار می‌شود. پس شب قدر منحصر در یک شب نیست بلکه در هر سال در ماه رمضان تکرار می‌شود. در این خصوص در تفسیر برهان از شیخ طوسی از ابوذر روایت شده که گفت به رسول خدا (ص) عرض کردم یا رسول الله، آیا شب قدر شبی است که در عهد انبیاء بوده و امر به آنان نازل می‌شده و چون از دنیا می‌رفتند، نزول امر در آن شب تعطیل می‌شده است؟ فرمود: «نه، بلکه شب قدر تا قیامت هست.»

عظمت شب قدر

در سوره قدر می‌خوانیم: «انا انزلناه فی لیله القدر و ما در یک ما لیله القدر لیله القدر خیر من الف شهر.» خداوند متعال برای بیان عظمت شب قدر یا این که ممکن بود بفرماید: «و ما در یک ماهی، هی خیر من الف شهر» یعنی با اینکه می‌توانست در آیه دوم و سوم به جای کلمه «لیله القدر» ضمیر بیاورد، خود کلمه را آورد تا بر عظمت این شب دلالت کند. و با آیه «لیله القدر خیر من الف شهر» عظمت این شب را بیان کرده به اینکه این شب از هزار ماه بهتر است. منظور از بهتر بودن این شب از هزار ماه، بهتر بودن از حیث فضیلت عبادت است. چه این که مناسب با غرض قرآن نیز چنین است. چون همه عنایت قرآن در این است که مردم راه به خدا نزدیک و به وسیله عبادت زنده کنند، و احیاء یا عبادت آن شب از عبادت هزار ماه بهتر است. از امام صادق (ع) سؤال شد: «چگونه شب قدر از هزار ماه بهتر است؟» حضرت فرمود: «عبادت در شب قدر بهتر است از عبادت در هزار ماهی که در آن شب قدر نباشد.»

احیاء به چه معنی است؟

آیت الله شهید مطهری

این عمر را روشن و نورانی نگه داشته‌ای. آن ساعتی که پروازی داشته‌ای، شوری داشته‌ای، عشقی داشته‌ای، دل به یاد خدایت زنده بوده است، آن ساعات همان ساعات درخشان نورانی است. آن ساعتی که در آن ساعات خدمتی کرده‌ای، کار مفیدی انجام داده‌ای، ساعات نورانی توست. و اما آن ساعتی که در آن ساعات غافل بوده‌ای، غرق در شهوات بوده‌ای، برخلاف رضای خدا قدم برداشته‌ای، آنها دوران تیرگی و تاریکی عمر توست. این زمان توست، این عمر توست.

شب قدر، شب انسان کامل است

آیا این شب قدر که از هزار شب بالاتر است، یک شب در عالم بوده و آن همان شبی بوده که قرآن بر پیغمبر نازل شد و دیگر شب قدری در عالم نبوده؟ بعضی این طور گفته‌اند. البته از علمای شیعه کسی نگفته. این حرف به دلیل خود آیه قرآن حرف نادرستی است که عرض خواهیم کرد. بسیاری از اهل تسنن گفته‌اند شب قدر بیش از یک شب بوده ولی اختصاص دارد به دوره پیغمبر اکرم؛ تا پیغمبر بود شب قدر در هر سالی بود. پیغمبر که رفت، شب قدر هم رفت. این هم حرف بی‌حسابی است. پس شب قدر ادامه دارد. قبل از پیغمبر چگونه؟ آیا قبل از پیغمبر شب قدر بوده یا نبوده؟ خود پیغمبر فرمود: هر پیغمبری که آمده شب قدر وجود داشته، بله، یک مسئله هست: آیا قبل از اینکه آدم و پیغمبری روی زمین پیدا

شود شب قدر بوده یا نبوده؟ این دیگر محل تردید است. به بیانی که عرض خواهم کرد) شب قدر شب ولی کامل است در هر زمانی؛ شب قدر یعنی شب انسان کامل. حال از خود قرآن چه می‌فهمیم؟ اولاً قرآن فرمود: «لَیْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ» و نفرمود: «لَیْلَةُ الْقَدْرِ كَأَنْ خَيْرًا مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ» (شب قدر بهتر بود از هزار ماه)، در حالی که اگر شب قدر فقط یک شب در زمان گذشته بود باید این طور می‌گفت. بالاتر آنکه بعد از اینکه به صورت ماضی می‌گوید قرآن را در شب قدر نازل کردیم، یعنی بعد از آنکه نزول قرآن را در یک شب قدر به صورت ماضی بیان می‌کند، به صورت فعل مضارع که دلالت بر دوام و استمرار دارد می‌فرماید: «تَنْزِيلَ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ؛ در این شب فرشتگان و روح به اجازه پروردگارشان به زمین نازل می‌شوند. شبی است که میان زمین و آسمان پیوند و ارتباط برقرار می‌شود، شب برقراری ارتباط میان زمین و آسمان است، آن هم به یک ملک و دو ملک، بلکه ملائکه فرود می‌آیند و روح فرود می‌آید. می‌فرماید: «فرود می‌آیند» نه «فرود آیدند»؛ کما اینکه در سوره دخان هم فرمود: «فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ» و نفرمود «فَرَّقَ» یا «أَفَرَّقَ»؛ یعنی اینجا هم فعل مضارع است: هر امر به هم بسته‌ای از یکدیگر باز می‌شود. این است که ائمه اطهار فرموده‌اند: از اهل تسنن پرسیدم قرآن که می‌گوید «در شب قدر ملائکه و روح فرود می‌آیند» به چه کسی فرود می‌آیند؟ آیا ملائکه و روح که فرود می‌آیند به زمین فرود می‌آیند یا بر دل فرود می‌آیند؟ اینها بر دل فرود می‌آیند. نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ. عَلَي قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ. ملائکه بر قلب انسان فرود می‌آیند. تا انسانی روی زمین نباشد که در این مرحله و دارای آن درجه از کمال باشد که ملائکه بر قلب او فرود بیایند. اصلاً فرود آمدن ملائکه معنی ندارد. این مطلب صد در صد درست است. پس شب قدر شب انسان کامل است.

